



قرآن کریم می فرماید (۱): ایمان خود را نگهدارید که اگر همه گمراه شوند و شما براه هدایت باشید زبانی از کفر آنها بشمار نخواهد رسید، بازگشت همه شما بسوی خدا است.

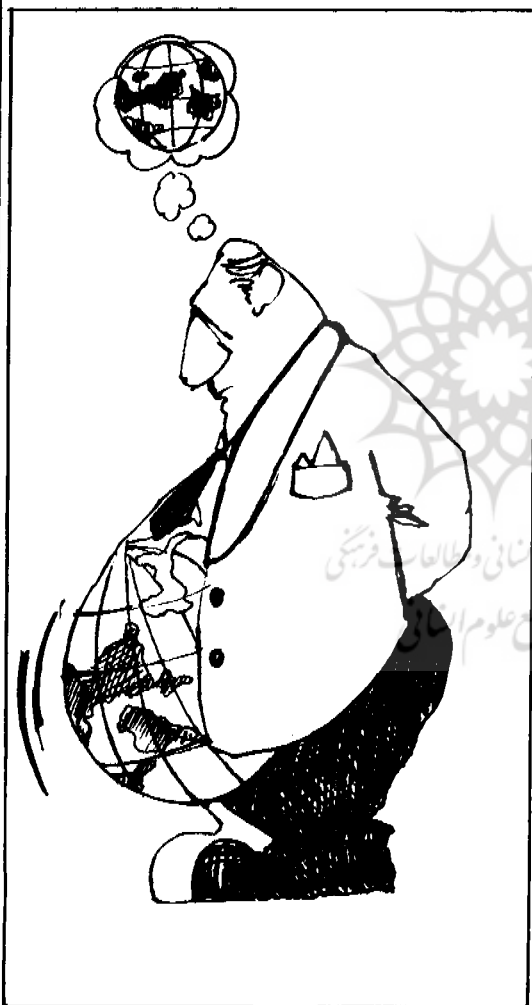
در نفس انسان نیازهای متعددی است و همگی طالب ارضاء هستند، امکانات متعددی نیز به انسان اعطا شده است تا هم بتواند نیروی خود را صرف ارضاء نفسانیات کند و یا بتوسط امکانات و نیروهای داده شده جلو خواهشهای نفسانی را بگیرد و کششهای درونی را تحت نظم و ضابطه بیاورد.

مسلک

سؤال قمار خویش است

ومی تواند که تجاوز کار باشد. میدان عمل بازو فرصت اقدام فراهم است.

نتیجه اینکه انسان مختار و شنا سا گرو صاحب امکانات و توانائی است که می تواند درپیشگاه خداوند، سربه اطاعت نهد و طبق فرمان الله و موازین قسط عمل کند، یا مطابق امیال نفسانی خودش عمل نماید.



خداوند برای انسان میزانهای معینی را معلوم نموده است تا بر طبق آنها رفتار کند و از حدود آنها تجاوز ننماید. و از او خواسته شده است که بر صراط مستقیم گام نهد و از خود مواظبت کند که به راههای انحرافی در نفلطد، و به انسان اعلام شده است که ارتکاب خطا موجب عقب ماندگی و کيفراست.

میزانهای صحیح رفتار از طریق وحی و بتوسط انبیاء تعیین و اعلام شده است. و برای هرگونه رفتار از خرد و کلان، جزئی و کلی، دررابطه باخود و با دیگران و در ارتباط با جهان هستی و خالق عالم میزانی مشخص کرده اند. و صحیح را از غلط و صواب را از گناه باز شناسانده اند. و قرآن کریم اختصاصاً "بیانگر هرچیز و هرامراست و از آنچه موجب رشد و تعالی انسان است بتفصیل سخن آورده و اینهمه تحلیل و تفسیر امور بتوسط انبیاء و کتب آسمانی را حتی از بیرون وجود انسان شمرده اند. دردرون انسان، ابزارشناساگر قرارداده است تا بتوسط آنها حق را از باطل متمایز کند. این ابزارمشمول براندامهای حسی و ادراکات و منطق و عقل است که معارف لازم را بتوسط آنها میتوان کسب کرد.

به انسان آزادی داده شده تا راه خویش را برگزیند و مطابق اختیار و انتخاب خویش عمل کند. چنانچه خواست ایمان آورد و اگر نخواست راه کفری نماید. می تواند ایثارکند

چنانچه انسان طبق میل خویش و بدون رعایت موازین اسلامی عمل کرد از حدود خارج شده و به تعبیر قرآن به خودشستم کرده است. ومی فرماید (۲): ای مردم هر ظلم و ستم که بکنید، منحصرًا بنفس خودتان کرده اید. (وبجهت) متاع فانی دنیا است، سپس بسوی ما باز می گردید. آیه کریمه صراحت دارد که حاصل ستمگری عاید خود شخص میشود. و علت ارتکاب ستم، دنیاگرایی و دوستی کلاهی دنیا است. پس یکی از ارشادات تربیت باید این باشد که هدف خود را دنیا دوستی قرار ندهد. و بدین سان مسأله اصلت دادن به سود آنچنانکه غریبان هدف قرار میدهند قابل پذیرش اسلام نیست، زیرا آن نظرگاهها فارغ از آخرت گرایی و انتظار و امید به جلب رضوان اللهاند. در پایان آیه خداوند می فرماید، بسوی ما می آئید که فحواي کلام، هم هشدارگونه است، هم اخبار است و هم معنی شرطی و انشائی میتوان از آن دریافت، مثلاً، "چون بسوی ما می آئید ما ما میل نیستیم دنیا را رجحان بدهید، و فریفته جلوه های آن بشوید، یا اینکه اگر می خواهید پیروزمندان و سبکبال بسوی ما پرواز کنید دست از شدت علاقه به متاع دنیا بشوئید.

در آیه دیگر می فرماید (۳): اگر نیکی کنید بخودتان کرده اید، و چنانچه بدی

کنید عاید خودتان خواهد شد. اگر در آیه قبل بحث از ستم رفت که حاصلش عاید خود ستمگراست در این آیه سخن از احسان است که نتایجش عاید خود احسان کننده می گردد. پس نیکی کسی را بحساب دیگری نمی نهند، و بدی کسی را در پرونده دیگری ضبط نمی کنند. و در این رابطه می فرماید (۴): هیچکس بار گناه دیگری را بردوش نکشد، (و آنکس که بارش سنگین است) اگر دیگری رابه کمک خود طلبد، نمیتواند بار وی را بکشد، اگر چه خویشاوندش باشد، (ای رسول) توفیق آنانرا که در پنهانی و خلوت از خدای خود می ترسند، نماز بیامی دارند، می توانی خدا ترس گردانی. هرکس خود را تزکیه کرد (از کفر و گناه و اخلاق زشت منزه ساخت) سود و سعادتش بر خود اوست. و بازگشت همه بسوی خداست.

در میان جمعی متداول است که وقتی گفته میشود فلان فرد خطا یا جنایت کرده و بایستی به کیفر برسد، می گویند، اجتماع ناسالم بوده و بایستی شرایط اجتماعی را مساعد کرد تا فرد خطانکند، و با این تعبیر و طرز فکر نتیجه می گیرند که فرد نباید تنبیه شود.

این تفکر باتوجه به آیه فوق باطل است. زیرا می فرماید هیچ بردارنده ای بارگناه دیگری را نمی کشد و گرچه خویشاوند او باشد. و هر مجرم شخصاً "مسئول و مقصر

است.

نکته دیگر در رابطه با پرورش نفسانی بر اساس قرآن مجید اینستکه، نحوستی که برای هرکس پدید می آید و انحطاطی که پیدا می کند بخاطر اسرافکاری خود اوست و می فرماید (۵)

( رسولان ) گفتند فال بد که می گوئید منشأ آن درون خود شماست، اگر بیاد آورید، زیرا شما قومی اسرافکار هستید (حق را نمی پذیرید) .

پس اگر هدف تربیت را سعادت مندی بدانیم و آنرا عاملی برای زدودن موجبات شقاوت و ضلالت و نحوست بحساب آوریم مبدء آن در باطن خود شخص است. و در آیه ای دیگر می فرماید (۶): مامقدرات و نتیجه اعمال نیک و بد هرانسانی را طوق گردن او ساختیم و روز قیامت نامه عمل او را بیرون آوریم آنطور که همه نامه را ملاحظه کند:

این بیان پرمعنی چند تابلو را در منظر مامی نهد. یکی اینکه عمل هرکس در کنار او و ملازم با او و آئینه تمام نمای اوست و چه رسوا است انسانی که عملش خلاف امر خداوند است.

دوم اینکه اعمال انسان از جزئی و کلی ثبت و ضبط می شود و مجموعه ای مدون تشکیل می شود و روز قیامت در معرض دید او می نهند. و مشاهد این بیرونده اگر محتوایش فساد و ضلالت باشد چه شرم آور

و غم انگیز است. و انسانی که در دنیا بخاطر لذتهای جزئی و زودگذر مرتکب گناه شده است و باشادیهای مختصر دنیائی ندامتهای زمانداری را برای خود ذخیره کرده است، اینک در صحنه قیامت بر خنده های گذشته خود چه گریه ها و دل تنگی ها دارد.

انسانی که در حیات دنیا گستاخانه حدود حرم خدای شکست و معاصی را بی پروا مرتکب میشد، هم اکنون همه خطاهای او را نشر میدهند و پیش رویش می نهند و چه بسا که غیر از خداوند مردم دیگر نیز فسق و فجور او را ببینند.

نهایت فضل رب العالمین آنجاست که خود انسان مقصر را بعنوان قاضی خودش قرار می دهد تا پرونده خویش را با همه محتوایش ببیند، بخواند، با مقیاس و میزان بسنجد و قضاوت کند و می فرماید (۷): بخوان کتاب اعمالت را ( بنگر در دنیا چه کرده ای) که تو خود تنها برای رسیدگی اعمالت کافی هستی.

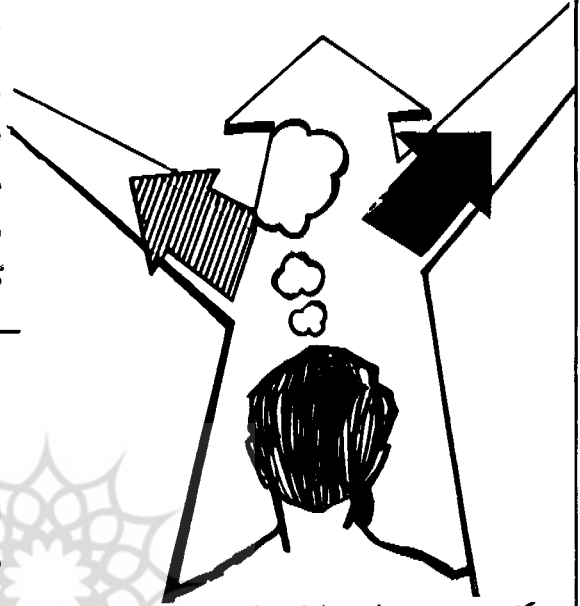
یک نکته قابل ملاحظه در این رابطه اینستکه امکان تزکیه نفس برای افراد فراهم است زیرا هرکس با عقل و تفکر خویش می تواند نیک را از بد بازشناسی کند، و هم اینکه اگر تحت تأثیر نفس اماره قرار دارد و بر اساس انگیزه ها و محرکهای جسمی و عاطفی به بدی می گراید در عین حال تحت تأثیر عواطف انسانی

برین و نفس لوامه و مطمئنه نیز هست و قادر است که خود را از ارتکاب معصیت بازپس

کند کفیر خواهد دید و درازا نیکی‌ها مزد خواهد گرفت .

ه : به انسان عقل داده شده تا انتخاب کند و اختیار نماید .

و : اینک انسانی شناساگر، آزاد، و دارای قدرت اقدام، و مطلع از وضع آینده در میدان زندگی در محضر خداوند است، تاجه برگزیند و از آزادی خویش چطور بهره گیرد .



۱- مائده  $\frac{5}{108}$  علیکم انفسکم لایضرمکم من ضل اذا هتدیتم .

۲- یونس  $\frac{1}{24}$  یا ایها الناس انما بیکم علی انفسکم متاع الحیوه الدنیا ثم الینا مرجعکم .

۳- اسراء  $\frac{17}{7}$  ان احسنتم احسنتم لانفسکم وان اساتم فلهما

۴- فاطر  $\frac{25}{18}$  ولاتزر وازره اخری وان تدع منقله الی حملها لایحمل منه ولوکان ذاقری انما تنذر الذین یخشون ربهم بالغیب و اقاموا الصلوه . و من تزکی فانما یتزکی لنفسه والی اللدالمصیر .

۵- یس  $\frac{37}{19}$  قالوا طائرتکم معکم ائن ذکرتم بل انتم قوم مسرفون .

۶- اسراء  $\frac{17}{13}$  و کل انسان الزمانه طائره فی عنقه و یشخر له یوم القیمه کتابا یشقره من شورا .

۷- اقرانکتابک کفی بنفسک الیوم علیک حسیا .

کشد . و می تواند با اختیار، گزینش کند و به نیکی و به وجه احسن عمل نماید .

حاصل بحث در زمینه مسئولیت فردی یا تربیت نفس یا تزکیه خویش بشرح زیر است .

الف . خداوند که خالق انسانست میزان رفتار صحیح و غلط را معلوم داشته است .

ب : برای شرح احکام خویش انبیاء و رسولان اعزام داشته و با آنان کتاب فرستاده .

ج : از انسان خواسته شده است که به نیکی عمل کند و گردبدی نگردد .

د : رسولان از سوی خداوند اعلام داشته اند که چنانچه کسی معصیت خداوند